

تفسیر سوره قارعه (جلسه اول)

متن مستخرج از فایل صوتی تدریس استاد تاج آبادی - ۱۴۰۰/۰۳/۲۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْقَارِعَةُ ﴿١﴾ مَا الْقَارِعَةُ ﴿٢﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ ﴿٣﴾ يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ
الْمَبْثُوثِ ﴿٤﴾ وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ ﴿٥﴾ فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ ﴿٦﴾ فَهُوَ فِي عِيشِهِ
رَاضِيَةٌ ﴿٧﴾ وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ ﴿٨﴾ فَأُمَّهُ هَاوِيَةٌ ﴿٩﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَ ﴿١٠﴾ نَارٌ حَامِيَةٌ ﴿١١﴾

به نام خداوند گسترده مهر مهربان

آن در هم کوبنده! (۱) چیست آن در هم کوبنده؟ (۲) و چه چیز تو را آگاه کرده است که آن در هم کوبنده چیست؟ (۳) روزی پدید خواهد آمد که آدمیان همچون ملخ‌های پراکنده از گورها به هرسو روی می‌آورند. (۴) و کوه‌ها مانند پشم رنگارنگ زده شده متلاشی می‌گردند. (۵) ادر آن روز اعمال مردم سنجیده می‌شود، پس کسی که اعمالش وزین و شایسته است، (۶) او در زندگی خوش و پسندیده‌ای خواهد بود. (۷) و کسی که اعمالش سبک‌وزن و نارواست، (۸) جایگاهش که او را در بر می‌گیرد هاویه است. (۹) و چه چیز تو را آگاه کرده است که آن چیست؟ (۱۰) آتشی است بس سوزان. (۱۱)

شناسه و موضوع محوری سوره

سوره قارعه سوره ای است مکی؛ یعنی در مکه نازل شده است. موضوع محوری این سوره هم بیان برخی از ویژگی‌های روز قیامت است و معیار حساب رسی در روز قیامت. لحن این سوره هم یک کوبنده ای ویژه ای دارد؛ چون همراه است با ترساندن و همراه است با بر حذر داشتن. سوره با یک کلمه شروع می‌شود. القارعه؛ القارعه از قعر است. قعر به معنای کوبیدن با شدت است که همراه با صوت شدید باشد.

آنوقت قارعه اسم فاعل این فعل است. آن وقت قارعه یعنی کوبنده. کوبنده ای که کوبندگی اش هم شدت دارد هم همراه هست با صدای بلند.

آن وقت تایی که بر سر این کلمه آمده القارعه، این تاء، تایی تاکید است و تایی مبالغه است. در واقع اسم فاعل قعر قارع است که می‌شود القارع. اما تاء تانیث دارد تاکید می‌کند و مبالغه می‌کند در بیان شدت کوبندگی. برخی از لغت شناسان مثل فیروزآبادی آنها معتقدند که در کلمه قعر علاوه بر کوبیدن شدید، ناگهانی بودن و غافلگیرانه هم نهفته است. یعنی هر کوبندگی قارع گفته نمی‌شود.

آیه اول

القارعه یعنی آن کوبندگی ای که همراه با غافلگیری است. ناگاه است، غیر منتظره است. در واقع قرآن می خواهد بگوید که حادثه قیامت **اولا** بسیار کوبنده است؛ **ثانیا** غافلگیرانه است در یک زمانی و در یک حالی، در یک وضعیتی قیامت را تجربه می کنید که اصلا انتظارش را ندارید که اصلا منتظرش نبودید.

یعنی قبل از اینکه نشانه های قیامت، نشانه های قطعی اش را مشاهده بکنید و یک در واقع انتظار موقتی داشته باشید قیامت **بَعَثَه** واقع می شود. این نکته ای است که این لغت شناس معروف درباره این واژه گفته است.

القارعه به لحاظ تحلیلی ریشه اش چیست و به چه معناست. القارعه یک کلمه هست و در اینجا به معنی صفت هم هست. القارعه یعنی کوبندگی، کوبنده بودن. حالا چه چیزی کوبنده هست؟ مفسرین آمدند و گفتند موصوفش حذف شده است؛ **الحادثه القارعه** یا **الکائنه القارعه**. یک حادثه ای که کوبنده هست در شما واقع می شود. خب بر این اساس این القارعه می شود صفت و موصوفش هم می شود الحادثه یا الکائنه که حذف شده است.

و خب به لحاظ نحوی القارعه یا باید فاعل باشد **سَيَاتِيكُمْ الْقَارِعَةُ** به زودی آن حادثه کوبنده که روز قیامت باشد بر شما وارد می شود. اگر بگوییم فعلی مقدر بوده القارعه می شود فاعل. **سَيَاتِيكُمْ الْقَارِعَةُ** یعنی در آینده نزدیک این حادثه کوبنده واقع می شود.

اما برخی ها هم گفتند نه. القارعه در اینجا مبتدا است و خبرش هم مالقارعه است. حادثه کوبنده. مالقارعه چه حادثه کوبنده ای؟ دیگر حالا اینها خیلی نکته معرفتی زیادی هم در آن نیست.

خب، بر این اساس القارعه بر این معناست که یک حادثه کوبنده ای بر شما وارد می شود یا حادثه کوبنده ای وارد می شود که نمی دانید چه حادثه ای هست؛ یعنی شدت کوبندگی اش را نمی دانید. آنوقت نه اینکه مراد از القارعه در اینجا روز قیامت است؛ لذا همین آیه دلالت می کند که یکی از اسامی روز قیامت القارعه است؛ همچنان که روز قیامت اسامی و نام های دیگری دارد یکی از نام هایش هم القارعه است.

آیه دوم و سوم

آیه بعدی میگوید **مَالِقَارِعَةٍ** و **مَالِقَارِعَةٍ** و **مَالِقَارِعَةٍ**. در اینجا دوتا تفسیر مطرح هست برخی ها گفتند که اینجا ما، ما استفهامیه نیست یعنی در واقع خداوند سوال نمی کند؛ **مَالِقَارِعَةٍ**. **مَا** چون ما استفهامیت است علی الظاهر. می گویند در اینجا در معنای حقیقی که استفهام است به کار نرفته است. در معنای مجازی

به کار رفته است چرا؟ می گویند به خاطر اینکه روز قیامت معلوم است چه هست دیگر. خداوند متعال حدود دو هزار آیه در قرآن کریم دارد درباره معاد و مقدمات معاد و فرآیند معاد و پدیده های معاد و اینهاست.

خُب موقعی که در چند صد آیه دو هزار آیه خداوند معاد را معرفی کرده و شناسانده پس مومنین و مسلمانان ها روز قیامت را می شناسند و دیگر معنا ندارد که از زبان بپرسد ما القارعه، پرسشی دیگر معنا ندارد. چون پرسشگر باید انسان باشد؛ چون خداوند که سوال نمی کند. ما القارعه که استفهامی باشد؛ یعنی خدا دارد از زبان مومنین می پرسد که قارعه چیست؟

می گویند اینجا پرسش معنا ندارد، حتی از زبان انسان، چرا؟ چون در واقع مومنان قارعه را که روز قیامت باشد می شناسند، اوصافش را در قرآن شنیده اند. خُب، اگر ما در اینجا استفهامیه نباشد در آن وقت معنای مجازی را می دهد به معنای در واقع مهم بودن، عظیم بودن، وحشتناک بودن قارعه را دارد بیان می کند. ما القارعه یعنی قارعه خیلی وحشتناک است، خیلی عظیم است. روز قیامت خیلی رُعب انگیز است، خیلی آزاردهنده است برای کافران و در واقع منافقان.

با جمله ما القارعه دارد نوعی وحشت ایجاد می کند، وحشت همراه با ابهام. ما القارعه یعنی چه قارعه ای، چه کوبندگی ای، روز قیامت چه روزی خواهد بود برای کافران و منافقان.

خُب ملاحظه فرمودید که بر اساس این رویکرد که خیلی مفسران در اینجا این راه را رفتند حتی مرحوم علامه طباطبایی هم در اینجا در صراحت کلامشان در این است که ما را استفهامیه را نداستند در معنای مجازی گرفتند هر چند یک اشاره ای هم در لابلای کلامشان به رویکرد دوم است.

اما در تفسیر دوم که به نظر ما تفسیر خوبی هم هست و این چه ترجیحی داد بر تفسیر اول این است که ما القارعه جمله استفهامیه است از زبان انسان است. خداوند از زبان انسان می پرسد که این روز قیامت چه روزی است؟ خب کسانی مثل مرحوم شهید مطهری این راه را رفتند؛ یعنی رویکرد دوم را دارند. می گویند خداوند دارد از زبان انسان ها می پرسد که روز قیامت چه روز قیامتی است. چه روزی هست. چرا؟ چرا قرآن دارد از زبان انسان می پرسد؟ مگر قرآن معرفی نکرده روز قیامت را برای انسان ها، چرا؟

شهید مطهری تا همینجا در واقع بحث را قطع می کنند وارد آیه بعدی می شوند. ما اگر بخواهیم شرح بدهیم بیان ایشان را و دیگر مفسران، این عرائض را دارند. که هر چند قرآن کریم معاد و رستاخیز را معرفی کرده، توصیف کرده؛ اما در آیات متعددی فرموده شما قیامت را درک نمی کنید در دنیا. هر چه قدر این آیات قیامت بهشت و

جهنم را برای شما توصیف کند، باز شما یک معرفتی نسبت به بهشت و قیامت پیدا نمیکنید. یک دور نمایی، یک سیمای خیلی مبهمی از بهشت و جهنم در شما ایجاد می شود. به حقیقت بهشت و جهنم نمی رسید.

آیات زیادی بر این مطلب دلالت دارد. یکی از آن آیات این است: **فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَىٰ شَيْءٍ نُّكْرٍ.**

سوره قمر آیه ۶، روز قیامت روزی است که دعوت کننده شما را دعوت می کند به یک امر ناشناخته ای. یعنی شما در روز قیامت دعوت می شوید به پدیده هایی که اصلاً نمی شناسید، روز قیامت را نمی شناسید. حوادث روز قیامت را نمی شناسید. هر چند قرآن کریم از حوادث روز قیامت سخن گفته؛ اما شما درک حقیقی ندارید چرا؟ چون ماهیت آن عالم، ماهیت بهشت و جهنم به گونه ای است که هر چه قدر در واقع توصیف بشوند، باز شما به آن معرفت پیدا نمی کنید. آیه دیگر آیه ۱۵ سوره محمد است؛ **مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرَ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ:** داستان بهشتی که به متقیان وعده دادند این است که در آن باغ بهشت نهرهایی از آب زلال دگرگون ناشدنی است و نهرها از شیر بی آنکه هرگز طعمش تغییر کند و نهرها از شراب ناب که نوشندگان را به حد کمال لذت بخشد و نهرها از عسل مصفّی و تمام انواع میوه ها بر آنان مهیاست و (فوق همه لذات) مغفرت و لطف پروردگارشان، (آیا حال آن که در این بهشت ابد است) مانند کسی است که در آتش مخلّد است و آب جوشنده حمیم به خوردشان دهند تا اندرونشان را پاره پاره گرداند؟

آنچه را که از بهشت برای شما گفتیم بهشت متّین، بدانید مثل آن بهشت حقیقی است. این آیات صرفاً یک ضرب المثل برای شماست، یک مثل است، یک دور نمایی از بهشت حقیقی را برای شما توصیف می کند. شما هرگز نمی توانید درکی از بهشت حقیقی پیدا کنید در آنجا یا نسبت به جهنم.

یا در آیه دیگر می فرماید: **وَلَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ مِنْ سُوءِ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَبَدَأَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ**

وَبَدَأَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ: در روز قیامت انسان ها چیزهایی از خدا می بینند، پدیده هایی از خدا می بینند، رحمت و غضب هایی از خدا می بینند که به مخیله هایشان هم نمی آمده است. **مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ**؛ در دنیا به مخیله هایتان هم نمی آید. یعنی هر چه قدر ما از عذاب های جهنمی بگوییم، از نعمت های بهشتی بگوییم باز شما موقعی که وارد بهشت می شوید مصداق این آیه هستید **بَدَأَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ.** کافران که وارد جهنم می شوند **بَدَأَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ.**

یک آیاتی در قرآن کریم داریم باز دلالت دارند به این موارد؛ مثلاً در یک آیه ای خداوند متعال می فرماید روز قیامت ۵۰ هزار سال است (تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ: آیه ۴ سوره معارج). خب در آیه ۷۷ سوره نحل می فرماید و ما امر الساعة الا كلمح البصر او هو اقرب (وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا أَمْرُ السَّاعَةِ إِلَّا كَلَمَحٍ الْبَصَرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ).

در یک آیه ای می گوید آن مراحل قیامت ۵۰ هزار سال طول می کشد و در یک آیه می فرماید نخیر به یک چشم به هم زدن قیامت برپا می شود؛ بلکه کمتر از چشم بر هم زدن برپا می شود.

یعنی آیاتی که درباره قیامت هست آیات رمزگونه است؛ در واقع یک دورنمایی و تصویری از بهشت و جهنم بر ما ترسیم می کند. یک شناخت مفهومی و علم حصولی برای ما ایجاد می کند. حالا که اینطور است خب قرآن می فرماید توی این آیه هم می فرماید **ما القارعه**: شما قارعه را نمی توانید درک بکنید. هر چی که از قارعه الان در ذهنتان باشد روز قیامت می بینید. **بَدَأَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ.**

بنابراین هیچ بعدی ندارد که بگوییم که این آیه دارد از زبان انسان ها می پرسد کانه انسان ها و مومنان نمی دانند حقیقت معاد و حقیقت بهشت و جهنم چگونه هست.

در آیه بعد می فرماید که **و ما ادراك ما القارعه**، شما در دنیا نمی توانید حقیقت قارعه را درک بکنید. حقیقت قارعه باید در روز قیامت درک بشود. باز این آیه یک نوع تحیر، یک نوع سرگشتگی در مخاطب ایجاد می کند. ابتدا فرمود **القارعه** یک حادثه ای بسیار کوبنده و ناگهانی، بعد گفت که خب سوال می کنید قارعه چیست؟ از خدا می پرسید قارعه چیست؟ من به شما میگویم که قارعه را نمی توانید درک بکنید **و ما ادراك ما القارعه.**

همین پاسخ در قبال سوال **ما القارعه** آن رعب و وحشت روز قیامت را برای مخاطب بیشتر می کند. کانه آیه می خواهد بگوید هر چند تو می پرسی قارعه چیست و چه اوصافی دارد؟ بدان که تو قادر به فهمش نیستی. تو چه میدانی که قارعه چیست و از کجا میدانی که قارعه چه هست.

آیه چهارم

خب بعد از این چند آیه خداوند متعال اوصافی را از روز قیامت بیان می کند. اوصافی را از قارعه بیان می کند. یکی از این اوصاف مربوط است به کوه ها در روز قیامت و آستانه قیامت و یکی از اوصاف و آیات هم ناظر است به نحوه حشر انسان ها در روز قیامت. و آیات بعد از این آیه هم دارد معیار حساسی و چگونگی سنجش اعمال را در روز قیامت را بیان می کند. پس ابتدا فرمود بسیار کوبنده است بعد فرمود شما می پرسید که قارعه چیست؟

بدانید که برای شما قابل فهم و درک نیست روز قیامت در دنیا، باید تجربه کنید تا بفهمید هر چقدر هم که از آیات و روایات در واقع آگاهی پیدا کرده باشید، باز موقعی که وارد قیامت می شوید **بَدَأَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ**. بعد می فرماید خب حالا سه تا از ویژگی ها را می گوئیم. یک ویژگی مربوط به کوهها، یک ویژگی مربوط به نحوه حشر انسان ها، یک ویژگی هم مربوط می شود به معیار سنجش اعمال و در واقع کیفر و پاداش مومنان و کافران.

این آیه ویژگی حشر انسان ها را بیان می کند، آیه بعدی ویژگی کوهها را بیان می کند. **يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ**، می خواهید بدانید روز قیامت چه روزی هست؟ بدانید که روز قیامت روزی است که انسان ها آن موقع که از قبرها بیرون می آیند و محشور می شوند مانند **فِرَاشِ مَبْثُوثٍ** هستند.

این آیه ناظر است به **نَفْخَهُ دَوْمٍ** از نفخه های روز قیامت. چون بر اساس آیات **سوره نمل و آیات سوره زمر** دوتا نفخه یا سه تا نفخه داریم علی اقوالی که در اینجا وجود دارد. برخی ها می گویند سه نفخه وجود دارد. بعضی ها می گویند دو نفخه وجود دارد. بر اساس اینکه سه نفخه وجود داشته باشد در نفخه اول همه موجودات زنده می میرند؛ همه انسان ها و حیواناتی که در روی زمین هستند می میرند و وارد عالم برزخ می شوند. با نفخه دوم همه انسان هایی که در عالم برزخ هستند می میرند به مرگ برزخی و با نفخه سوم دوباره زنده می شوند و پا به عرصه محشر می گذارند.

بر اساس این دیدگاه نسبت به نفخه های روز قیامت این آیه **يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ** ناظر است به نفخه سوم که انسان ها که از قبرها بیرون می آیند و در محشر حاضر می شوند.

ولی عده ای از مفسران می فرمایند دو نفخه است. در نفخه اول همه انسان ها در عالم برزخ می میرند؛ یعنی حیات برزخی شان را از دست می دهند؛ **إِلَّا أَنْبِيَا وَحُضَرَاتٍ مَعْصُومِينَ** که دچار مرگ برزخی نمیشوند که اصولاً آنها برزخ ندارند و در نفخه دوم دوباره زنده می شوند و پا به عرصه محشر می گذارند.

بر اساس این رویکرد دوم آیه **يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ** ناظر است به نفخه دوم.

در این آیه **حشر انسان ها تشبیه شده به پرواز پروانه ها**، روز قیامت روزی است که انسان ها موقعی که از قبرها بیرون می آیند مثل پروانه ها در واقع در حال حرکت هستند. تشبیهی که از این آیه حشر انسان ها را به پروانه ها. **خب فِرَاشِ يَعْنِي پَرَوَانَهُ، مَبْثُوثٍ هُم يَعْنِي پَرَاكِنْدَه شَدَه**. مثل پروانه هایی یا یک تعداد زیادی پروانه که پرواز می کنند با همدیگر و حرکتشان یک جهت واحدی ندارد. هر پروانه ای به سمت و جهتی حرکت می کند

می فرماید روز قیامت هم انسان ها اینطورند؛ از قبرها که بیرون می آیند در واقع همه حرکت دارند؛ اما حرکت ها جهت واحدی ندارند. تو در تو هست. هر کسی به یک جهت مخالف دیگری حرکت می کند مثل حرکت پروانه ها. اما نکته ای فخری رازی دارد که نکته دقیقی هست. یک نکته ادبی است و این نکته باعث می شود که این آیه در واقع گویای یک نکته مهمی باشد و آن این است که فخر رازی می گوید فراش (پروانه) در فرهنگ عرب یک مَثَل است. مَثَل است برای شدت جهد، مَثَل است برای شدت سرگردانی و مَثَل است برای ضعف و ناتوانی. لذا موقعی که می خواهند مثلا بگویند فلانی خیلی ضعیف است می گویند ضعف من الفراشه : زید از یک پروانه هم ضعیف تر است. موقعی که می خواهند بگویند این آدم خیلی جاهله می گویند: اجهل من الفراشه از پروانه جاهل تر است. یا موقعی که می خواهند بگویند اضطراب دارد و سرگردان است می گویند أجول من الفراشه.

فخر رازی می گوید اینکه خداوند متعال واژه پروانه را یا فراش را انتخاب کرده است و در این آیه گذاشته است، می خواهد بگوید که انسان ها که از قبر بیرون می آیند هم جاهلند و نمی دانند چه خبر است و چکار باید بکنند. هم ضعیف و ناتوانند هیچ کاری از آنها بر نمی آید و آن عذاب ها و رنج های قیامت را نمی توانند از خودشان دور بکنند. هم سرگردان هستند و هم بلا تکلیف هستند و مضطرب هستند.

بر اساس این نکته دقیق و درستی که فخر رازی گفته معنای این آیه این می شود : روز قیامت روزی است که انسان ها از قبرها بیرون می آیند در حالی که هم سرگردانند و هم مضطربند و هم نمی دانند چکار باید بکنند و هم حرکتشان در واقع یک جهت واحدی ندارد. نکاتی دارد این آیه انشالله برای جلسه بعد

و صل الله علی محمد و آله الطاهیرین.